

سر آغاز: ۳۴ روز پیش، آن‌زمان که هنوز آفتاب زنده و مؤذن برای مناره بانگ برنیاورده بود، در خرسوخوان صبح عده‌ای پیراهن مشکی بر تن آن نرده‌های همیشه سبز کوی دانشگاه بالا رفتند و در چشمه به هیزنی از مأمّن برترین دانشجویان ایران تلی از ویرانی باقی گذاشتند و رفتند. از آن روز تاکنون برای بسیاری زمان به سختی گذشت چه آن خانواده‌ای که فرزندش قربانی خشونت در قلب پایتخت شد و چه آن دانشجویی که هنوز ردای طبیعت بر تن نکشیده، یک «چشم» از دست داد و چه... اینها همه هست. اما در آستانه سالروز آن تابستان داغ و غم‌انگیز قصد نداریم مرهم نهداده بر رخ، نمک پاش آن شویم. قصد پرسیدن این را هم نداریم که چگونه است و روزنامه‌ای که شباهت‌های بسیاری با «سلام» داشت، در چنین روزهایی به محاق توقیف می‌رود و روحانی به‌شدت مورد علاقه دانشجویان بازداشت می‌شود؟ گزارشی که پیش روی شماست، حاصل گشت و گذاری از روز اول تیرماه جاری تا به امروز در لابه‌لای تشریحات محافظه‌کاران است. تشریحاتی که در آغازین روزهای سالگرد حمله به کوی دانشگاه از هیچ کوششی برای کاستن از «آستانه تحمل» دانشجویان فرودار نکردند. قصد پاسخ به این که چه کسی در پس گل‌آلود کوش آب، هوس صیادی در سر پرورنده است را نیز نداریم. اما همین قدر می‌دانیم که دانشجویی دوم خردادی تحریک‌ناپذیر است و صبور. مگر نه این که در یک سال گذشته علی‌رغم بروز اتفاقاتی که هر یک پتانسیل مبدل شدن به توفان سیاسی داشت، «پیران سیاست» کهنه‌کارانه سکوت پیشه خود ساخت، چرا که نیک می‌دانست تنها در آرامش، مطالبات انباشته شده وی پاسخ خواهد گرفت. آنان علی‌رغم این که در یک سال گذشته هزاران انگ و توهین رای به چشم دیدند حتی آنگاه که قربانی کوی را یکی از تشریحات دست راستی صبح معارب «خوانند باز هم آرامش خویش از کف نهند و این سنت دانشگاه ما شد.

دانشجوی دوم خردادی خوب می‌داند مگر برداشتن جلوتر از رهبران فکری اش نثمراهی ندارد. هم از این رو، حتی وقتی از نخستین روز تیر سالگرد آوار تخریب بر سر و رویشان بیشتر شد برای آن که نشان دهند جنبش دانشجویی نماد صلح و برادری است به «شورای شهر» پیشنهاد داد در آستانه هجدهم تیر میباید را در تهران به نام «مدارا» نامگذاری کنند. هر چند این را هم یکی از تشریحات صبح ناب نیارود و مدعی شد «چون واقعه ۱۸ تیر با طراحی و برنامه‌ریزی آمریکا بود نامیدن یک میدان به نام مدارا در واقع می‌تواند به مفهوم مدارا یا بیستمان بزرگ باشد». طرفه آن است که غالب تشریحات محافظه‌کاران همچنان می‌نویسند که «جنبش دانشجویی با اجیر کردن شهرستانی‌ها و پرداخت وجه به آنها در حال تهیه و تدارک آشوب است» و در اثبات مدعی خویش به کرات سخنان مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا را با ب و تاب در صفحه اول روزنامه خود درج می‌کنند و مدعی می‌شوند مگر نه این که او گفت «منتظر وقوع آشوب در ایران هستیم» هیچ‌کس نمی‌داند، چرا اینان سخنان فرزند ایران را باور ندارند اما در عوض آمریکایی‌ها این چنین مورد وثوق‌شان واقع شده‌اند.

لابه‌لای نشریات محافظه‌کاران در آستانه سالروز فاجعه کوی دانشگاه تهران

قله!

محمد رضایی

وقتی از طرف محافلی خاص و بسیار سنتی از دانشجویان خواسته می‌شود روز ۱۸ تیر در دانشگاه حاضر شوند و «سکوت قبرستانی دانشگاه» را از بین ببرند قطعاً دانشجوی دوم خردادی در پس این غبار «چراغ‌ها و نشانه‌ها» را می‌بیند



سلام هزینه کلانی را خواهد پرداخت و متعاقب آن فاجعه کوی دانشگاه تهران و حوادث ناگوار پس از آن رخ داده، کد و نشانی اضافه‌ای که «حسابی» است!

این سناریو زمانی شنیدنی تر می‌شود که بدانیم یکی از تشکل‌های دانشجویی هواخواه محافظه‌کاران چند روز پیش ضمن محکوم کردن اقدام وزارت علوم مبنی بر پایان یافتن امتحانات تا ۱۶ تیرماه و انتقاد از کسانی که خواهان سکوت قبرستانی و آرامش مرادی اپر دانشگاه‌ها هستند از همه دانشجویان خواست «با حضور فعال و آگاهانه پاسخ طرفداران دروغین دانشجویان را بدهند» و جالب تر از همه نوشته‌های یکی از تشریحات ارکان

جدول شماره ۴۷

جمعیتی سنتی، است که اقدام وزارت علوم را «واقعاً سؤال‌برانگیز» خوانده است.

آیا اینهمه قابل تأمل نیست؟ به این سؤال چه کسی پاسخ می‌دهد که چه شده است به بیکاره تشریحات و محافلی خاص، دانشجویان را برای روز ۱۸ تیر به دانشگاه فرا می‌خوانند؟ راستی چه کسانی از پاشیدن نفت نفع تیران آتش فرقه سوده می‌برند؟ این را دانشجوی دوم خردادی باید پاسخ گوید او که تحریک‌ناپذیر است و صبور و به آنها اعلام کند «اگر سیل سر که به سوی ما روان دارید خروارها قند به آن خواهیم افزود تا عالم پر از سکنجبین شود»...

واقع آشوب در ایران هستیم» به نقل از وی نوشت «دانشجویان به عملیات اعتراضی علیه دولت به بهانه سالگرد حادثه کوی دانشگاه دست می‌زنند» جالبتر از همه آن است که رسالت فردای انتشار خبر گری سبک، در صدد پاسخ به پاسکاری‌های خودش نیز بر آمد. یک گروه دانشجویی برای تحقق پیش بینی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در مورد بروز آشوب‌های خیابانی به بهانه سالگرد کوی دانشگاه تلاش می‌کند و شعارتوبسی در اماکن عمومی و به ویژه باجهمای تلقن را در دستور کار عوامل خود قرار داده است.

اینکه چگونه یک گروه دانشجویی دو روز پس از انتشار صحبت‌های گری سبک با چنین سرعتی می‌تواند خود را برای بروز آشوب آماده کند را قطعاً کسانی می‌توانند پاسخ دهند که دارای گروه‌های آماده‌ها هستند که هر وقت لازم شد از آنها استفاده بیهی می‌کنند. شاید این امر موجب شد این چنین به شیبه‌سازی روی آورند!

همان روزی‌ها هم رسالت خود که مهاجری‌تراد= یکی از بازداشت‌شدگان کوی - به دعوت بنیاد «هایت‌ریس بل» به آلمان سفر کرده است، و در آنجا اظهار امیدواری کرده که «دوستان عزیز او در جنبش دانشجویی مانند علی افشاری و طبرزدی از زندان آزاد شوند»؛ در این مورد که مهاجری‌تراد چگونه توانسته بدون هیچ مشکلی بافصله پس از آزادی از اوین ویزای سفر به آلمان دریافت دارد، کسی حرفی نزد و از وجود آن کاسه و نیم کاسه معروف سبخی به میان نیاورد. مهاجری‌تراد به آلمان رفت و سوزه پیام‌دهندگان و سرفقه‌نویسان رسالت فرام شد. رسالت در سرفقه‌های ضمن انتقاد از آزادی مهاجری‌تراد و برخورد ملاطفت‌آمیز با آنها، مجازات آشنان را در «اعدام» دانست و فرصت را مثل همیشه برای نیش زدن به رئیس جمهوری منتقم شمرده واقعاً جای تأسف دارد. بانگ‌ها و اتوبوس‌ها را آتش زدند. مساجد را به آتش کشیدند. به همه مقدسات اهانت کردند. در اوج خشونت این تبهکاران، رئیس جمهوری محترم فرمود ما خشونت را با خشونت پاسخ نمی‌دهیم!!

سناریو بدینجا ختم نشد و هر چه عقربه زمان به ۱۸ تیر نزدیک تر و نزدیک تر می‌شد، شدت و غلظت حملات و تحریکات نیز بیشتر و بیشتر شد. رسالت که حسابی به دانشجویان «گیر سبخی» داده و داغ کرده بود هر روز با انتشار یکی دو خبری‌یام و نشان و بدون منبع در ستون نشیبه‌ها و نکته‌ها و یا به نقل از خواتنه‌گانش بر حجم حملات می‌افزود در ادامه این تحرات مدعی شد «دفتر تحکیم وحدت به شورای شهر تهران، پیشنهاد کرده بود که نام خیابان کارگر به پاس بزرگداشت کوی دانشگاه به ۱۸ تیر تغییر کند که با عدم موافقت این شورابور و پرو شده.» عصر همان روز کیهان بی‌مغلی ضمن درج مجدد این خبر به نقل از رسالت، نوشت: «برخی شنیده‌ها حاکی از احتمال تقدیم پیشنهاد جدیدی توسط برخی از شهروندان تهرانی مبنی بر تغییر نام خیابان حد فاصل میدان انقلاب تا میدان امام حسین به خیابان ۱۳ تیر می‌باشد.» اضافه‌ا که اگر اقتضای روزنامه‌نگاری چنین باشد با تکیه بر صندلی‌های تحریریه حداقل روزی ۱۰۰ خبر می‌توان تولید کرد. به کلمات دقت کنید «برخی شنیده‌ها»، «احتمال تقدیم پیشنهاد» برخی شهروندان تهرانی» عجب دانستاست.

داستان تحریک احساسات دانشجویان «دانشجویان» به همین جا ختم نشد. گردانندگان تشریحات ارکان محافظه‌کاران یک روز با تمسک به گفته‌های گری سبک، روز دیگر با استفاده از ادعای دیگران و دیگر روز با «خبر ساختگی» به «حلیل» روی آوردند.

غرض پروژه‌های است که می‌باید پیش بروند. حال آوزیران شدن به گری سبک باشد یا هر کس دیگری، در اصل قضیه تفاوتی نمی‌کند. اما شوشیود از هفته نامه سیاست، «متاقین هم برای کمک برخی تشکلهای دانشجویی اعلام آمادگی کرده و اظهار تمایل کرده‌اند در روزهای ۱۸ تیر به اقدامات ایذایی دست خواهند زد، گفتنی است بعضی تشکلهای دانشجویی درصدد هستند در ایام سالگرد حادثه کوی دانشگاه با روشن کردن شمع و تجمعات تیرماه در ایام سالگرد احساسات دانشجویان بپردازند.» باز هم مشخص نیست منبع و نشانی خبر چیست و کجاست؟

«کیهان» نیز دو روز قبل از درج این خبر در سیاست به «سبک این تشریه ضمن معرفی فردی با عنوان «گزارشگر ویژه تلویزیون رژیم طاغوت» و درج سخنان وی که «توقیف بیان برای نظام هزینه سنگینی دربر خواهد داشت» یادآور شد «تهدیقاتی از این دست، با عبارت و الفاظ مخصوص، مقوله ناآشنایی نیست چرا که در جریان تعطیل و توقیف روزنامه سلام نیز یکی از روزنامه‌ها تهدید کرد که نظام در قبال تعطیلی

دست در اولین روز تابستان و نخستین سالروز فاجعه کوی دانشگاه روزنامه رسالت، از یک «گروه برادعی دانشجویی» که «در طراحی حوادث سال گذشته کوی دانشگاه نقش مهمی داشت و با طرح واهی کشته شدن تعدادی از دانشجویان به منتهب کردن قضای سیاسی جامعه دامن زد»، خبر داد که قصد دارد «در ایام سالگرد حادثه کوی دانشگاه با روشن کردن چند هزار شمع، یاد دانشجویان شهید!! را گرمی بدارد» و «در قبال پرداخت وجه عده‌ای را وادار کند تا در مسیر کوی دانشگاه تا میدان انقلاب با شمع روشن و پیراهن مشکی نظاره به عزاداری نمایند» همین روزنامه، فردای آن روز مدعی شد «دو گروه دانشجویی که هواداران آنها در تشدید آشوبهای خیابانی فعال بودند، قصد دارند با دعوت از اعضا و هواداران خود از شهرستانها به تهران، در ایام ۱۷ الی ۲۰ تیر تجمعاتی در تهران برگزار و زمینه بروز برخی ناآرامی‌ها را فراهم کنند»؛ جالب اینجاست که همین خبر

محافظه‌کاران برای اثبات مدعی خود در مورد امکان بروز آشوب در سالگرد کوی دانشگاه توسط دانشجویان به دفعات به سخنان گری سبک اشاره می‌کنند راستی از کی تا به حال گفته‌های آمریکایی‌ها این چنین مورد وثوق آقایان شده است؟

از اولین روز تیر تا به امروز نشریات محافظه‌کاران پر است از اخبار بدون نام و نشانی در مورد دانشجویان که آنها را متهم به تدارک آشوب می‌کنند. آیا کسی می‌داند در پس این آب گل‌آلود چه کسی هوس صیادی در سر پرورنده است؟

پانددکی دستکاری در روزهای متفاوت اما پشت سر هم در تشریحات «جام هفته»، «بائثرات»، «سیاست» و «ایر تو» درج شد و هیچکس هم توضیح نداد که منبع خبرش چیست و کجاست؟ همان روز که رسالت به «رتق و تق امور دانشگاه» مشغول بود «تهران تایمز» ضمن انتشار مقاله‌ای از «گری سبک» مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا که با اشاره به سالگرد حمله به کوی دانشگاه گفته بود «ایران یک تابستان داغ سیاسی را در پیش دارد و این امر به افزایش ناآرامی منجر خواهد شد» می‌نویسد. برخی در داخل و خارج ایران تلاش می‌کنند با چنین تلقین‌هایی در سالگرد ۱۸ تیر ناآرامی‌های پدید آورند. یک روز گذشت و روزنامه «رسالت» که پیشتر شدیدترین لحن را خطاب به جنبش دانشجویی به کار می‌برد و حتی در ستون «ایام مردم» عزت ابراهیم تراد، قربانی کوی را «مجارب» خوانده بود، ضمن آنکه مدعی شد هر چه به زمان سالگرد حادثه کوی دانشگاه نزدیک می‌شود به نظر می‌رسد تحرات عوامل مشکوک برای ایجاد آشوب و افزایش می‌باید» به پاسکاری‌های تهران تایمز با اسبکی بی‌جانانه پاسخ داد و با درج سخنان گری سبک در صفحه اول و با تیر «منتظر

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱ افقی:

۱- رئیس هیأت خلق پد از انگلیسی‌ها در جریان نهضت ملی شدن نفت ایران - درس خوانده ۲- رودی در شمال ایران - منظرانه - تاکنون و تا به حال ۳- میوه پرزدار تابستانی - دشتی میان کوه‌های کرزی لطفین و مدیترانه - قادر و زورمند ۴- کارش پرورش حیوانات گوشتی یا شیری است - محکم شده و استوار ۵- چهره و صورت - ساقه قارچ - سحاب و میغ - منسوب به ملت ۶- جمله دستوری - یک صدم فرانک فرانسه - اصلی معز ۷- ناله کجک پس از گرفتن روغن آن - حقیقی و واقعی ۸- زمان مرگ - از تولیدکنندگان بیکسویت در ایران - امیران و فرماندهان ۹- حادثه و واقعه - طلاق گرفتن و نیز آتش بس در جنگ ۱۰- آب - بسته - دستگاه الکترونیکی با مقاومت متغیر برای مطالعه دربارهٔ ارتباط میان شدت جریان و مقاومت الکتریکی - جهان و گیتی ۱۱- آب چشم - از گویش‌های ایرانی - عابد و پارما - منقار پرند ۱۲- زیرا و به علت - عوارض قانونی است که دولت دریافت می‌کند ۱۳- اقامت شیان مسافر را در میان راه می‌گفتند - تالار بزرگ - خارج از زمین فوتبال ۱۴- بانگ مهیب جانوران درنده - نام نسل‌های کشوری است در خاورمیانه - انبار گندم ۱۵- از پیش‌های اوستا - از معتبرترین مؤلفان فرهنگ‌های انگلیسی به پارس و برعکس -

عودید:

۱- از دستگاه‌های موسیقی ایرانی - اثر معروف دانه الگبیری «بزرگترین شاعر تاریخ ادبیات تا ایتالیا ۲- مسافرخانه مدون - بانوی بیگم - شیار باریک و کم عمق - از مه‌ها ۳- سلام و تحیت - تزاری است برای اسب - آتش زنه گوگردی ۴- عدد اول - برای این اصطلاح فنی رنگی برابر پاریسی «کارور» را برگزیده‌اند - استخوانی در پا ۵- عکس بزرگ و پرتره - ناحیه سردیس عشاری ۶- عمدی و از روی قصد - گدای سحج - دشنام و نفرین ۷- از دستگاه‌های تکثیر نوشته - فراموشگر و کم حافظه - جدا و منفک

۸- از شهرهای استان کرمان - به دیگری احساس معجب و آشنایی کردن - خانی جنگ بوزنیان باستان ۹- از پساندهای دارندگی - لفظات - قلم‌های زینتی گرانبها، ۱۰- حرف ندا - خندیدن و شگفتن - تخته بلند و قطور ۱۱- زادگاه دیکتاتور عراق - روغن مالی کردن ۱۲- در مثل جواب «های» است - از قمرهای سیاره اورانوس - صحنه تئاتر ۱۳- همدم و همشکن - زردآلوی قلم - حروف نگاری رایانه‌ای ۱۴- رنگ و مرغوب - تکیه‌دادن - فرمان کشتی - پرانده و پخش شده ۱۵- مخالف خودکامگی است و ضد استبداد - دستگاه شمارشگر مصرف برق و آب.

حل جدول شماره ۴۶

